

عنوان مقاله:

ارزشیابی و سنجش اثربخشی برنامه مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق بهزیستی طی ۵ سال گذشته در شهر مشهد

محل انتشار:

چهارمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و فرهنگی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

علی اکبر محمودزاده - استادیار مدعو گروه علوم اجتماعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

راضیه آذرنیا - دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، مدیر افکارسنجی جهاد دانشگاهی مشهد

محمد غفاری زاده - دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، کارشناس مسئول امور آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی استان خراسان رضوی

خلاصه مقاله:

تحقیق حاضر با هدف «ارزشیابی و سنجش اثربخشی برنامه مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق»، در شهر مشهد به روش پیمایش و با جمعیت نمونه‌ای به تعداد ۱۳۸ متقاضی طلاق انجام شده است. نتیجه تحقیق نشان داد: جامعه متقاضیان طلاق، از نظریه فردی-اجتماعی، جامعه‌های اغلب «مهددی تیار»، «زنانه»، «میانسال»، «باسواد، توانمند در برقراری ارتباط»، اما «نوخانه»، بی‌سایام»، «بی‌فرزند»، «نیازمند مالی» و با نرخ ۱۲/۳ درصد ازدواج مجدد است. برنامه مداخله، در مجموع ۵ جلسه بوده که در قالب سه نوع مشاوره روانشناسی (۳ جلسه)، مشاوره مددکاری اجتماعی (۱ جلسه) و مشاوره حقوقی-مذهبی (۱ جلسه) اجرا گردیده است. ارزیابی کلی نشان داد: عملکرد برنامه مداخله، به لحاظ آماری بیشتر دارای کارکرد پنهان و منفی بوده و بطور معناداری (سطح معناداری ۱) موجب تحقق اهداف اصلی برنامه مداخله نگردیده است. اما به لحاظ تحلیلی و مقایسه‌های با ایجاد صلح و سازش ۱۵ درصد از متقاضیان طلاق، (در مقایسه با معیار جهانی یعنی ۳۰ درصد)، در حد متوسط کارآمد و موفق بوده است. ارزیابی تفکیکی نیز نشان داد: مشاوره روانشناسی، دارای تراز خالص آشکار و مثبت بوده است. کارکرد آشکار داشته یعنی، عملکرد اثربخش موفقی داشته و با تبیین ۴۱/۲ درصد از واریانس کل در تحلیل عاملی و معناداری آزمون مقایسه میانگین‌ها، بطور معناداری موجب صلح و سازش بین متقاضیان طلاق و انصراف آنها از طلاق گردیده است. کارکرد مثبت داشته، یعنی برای آنها فایده مند بوده و زمینه‌ای فراهم نموده تا متقاضیان طلاق حرف‌ها و درد دل‌هایشان را با مشاوران، در میان بگذارند و احساس سبکی و آرامش نمایند، با مشاوره آشنا شوند و در سایر موارد زندگی‌شان از آن استفاده کنند و به اطرافیان نیز توصیه نمایند. اما دو نوع مشاوره دیگر، یعنی مددکاری اجتماعی و مشاوره حقوقی-مذهبی، دارای کارکرد پنهان و منفی بوده و کارآمد و موفق نبودند. نظر نهایی اینکه، موفقیت‌برنامه مداخله در حد متوسط بوده و بیشترین سهم آن مربوط به مشاوره روانشناسی است.

کلمات کلیدی:

تراز خالص، کارکرد آشکار، پنهان، مثبت، منفی، اثربخشی و کارآمدی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1976888>

